

کتاب

«سفرنامه جن» تحویل ناشر شد



رمان «سفرنامه جن» نوشته مصطفی جمشیدی تحویل ناشر شد. به گزارش فارس، مصطفی جمشیدی، از نویسندگان کشورمان، درباره تازه‌ترین اثر خود اظهار داشت: رمان «سفرنامه جن» تلاشی در بازیابی گذشته است و نگاهی به افرادی دارد که در دوره قاجار سفری به لایه‌های مرکزی و عشایری ایران داشته‌اند. وی با بیان اینکه این رمان زندگی شخصی به اسم ریشارد را روایت می‌کند، ابراز داشت: این مهندس در نیمه ماموریتش گم شده و احداث پل نیمه‌ساخته با رکود مواجه می‌شود. جمشیدی با بیان اینکه آمد و شد هیات‌های تجاری در تهران قاجاری و فساد حاکمه در خرید لقب و تئانی درباریان و تأثیر آن در مدیریت جامعه آن زمان از نگره‌های رمان است، تصریح کرد: در فصولی از رمان به گذشته‌های دوری نیز سفر می‌کنیم، این سفر با تغییر هویت‌ها و بحران‌ها رویه‌ور است، همچنین ناخواسته و البته ناگم قهرمان اصلی به تشویش می‌افزاید. جمشیدی در پایان از انتشار رمان «سفرنامه جن» از سوی انتشارات «پنشر» خبر داد.

بایرامی با «سو زمین آرام شد» آمد



«سو زمین آرام شد» نوشته محمدرضا بایرامی داستان زندگی و ماجراجویی ۲ نوجوان در منطقه سیبلان است که به دنبال کشف نادیده‌هایی از طبیعت زیستی خود در یک روز سرد زمستانی به قصد دیدن آبشاری یخ‌زده از روستا خارج می‌شوند. به گزارش فارس، آخرین اثر بایرامی، فیلمنامه «سو زمین آرام شد» است که بر مبنای یکی از داستان‌های بلند و مشهور خود با عنوان «گرگ‌ها برف نمی‌ترسند» تالیف و منتشر شده است. «سو زمین آرام شد» داستان زندگی و ماجراجویی ۲ نوجوان در منطقه سیبلان است. ۲ نوجوانی که به دنبال کشف نادیده‌هایی از طبیعت زیستی خود در یک روز سرد زمستانی به قصد دیدن آبشاری یخ‌زده از روستا خارج می‌شوند و درست در همین لحظات نیون‌شان است که زلزله تمام روستا را با خاک یکسان می‌کند و حالا این دو نوجوان در مسیر برگشت، خود را مأمور محافظت از روستا در برابر هجوم طبیعت می‌بینند. انتشارات کتاب نیستان فیلمنامه «سو زمین آرام شد» را در ۲۸۴ صفحه و با قیمت ۲۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

مستند

رونمایی از «قائم‌مقام» در سوم آذرماه



مراسم رونمایی از مستند «قائم‌مقام» به کارگردانی سیدمحمدعلی صدیقی‌نیا روز جمعه سوم آذرماه ساعت ۱۸ در سالن سوره حوزه هنری برگزار می‌شود. به گزارش «عمار فیلم»، مراسم رونمایی و افتتاحیه‌ای که مستند قائم‌مقام در روزهای ۴ و ۵ آذرماه در سالن‌هایی با ظرفیت محدود برای عموم علاقه‌مندان و با حضور شخصیت‌های سیاسی و رسانه‌ای برگزار می‌شود. مستند ۱۰۰ دقیقه‌ای «قائم‌مقام» روایتی بدون سانسور و منصفانه از زندگی آقای آیت‌الله منتظری را به تصویر کشیده است. مستند «قائم‌مقام» به تهیه‌کنندگی محمد مهدی صفارهرندی و با پژوهش محمدامین فرج‌اللهی تولید شده است. برای حضور در این کارنامه می‌توانید از طریق مراجعه به سایت سینماگرام کت اقدام به ثبت‌نام و تهیه بلیت کنید.

روایتی از داستان نخستین شهید عکاسی در «میرزا جواد»

کارگردان مستند «میرزا جواد» می‌گوید دوربین عکاسی در دربار به عنوان وسیله تفریحی استفاده می‌شد اما وقتی به میان مردم می‌آید، جریان‌ات اجتماعی متفاوتی را ایجاد می‌کند. «میرزا جواد عکاس‌باشی» نخستین شهید عکاس است که در ماجرای فتح تهران کشته می‌شود. به گزارش تسنیم، سعید فرجی، سازنده این اثر درباره سوزه مستند «میرزا جواد» گفت: بخشی از این فیلم به تاریخ عکاسی اجتماعی و بحران در ایران می‌پردازد. در همین بخش به بیان تاریخچه‌ای از عکاسی در ایران می‌پردازیم. در زمان مشروطه، عکاسی از چهره‌های معروف و سران مشروطه آغاز می‌شود، این عکس‌ها چاپ و منتشر می‌شود و اوج این ماجرا در موضوع فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان اتفاق می‌افتد. در همین غائله، شهادت نخستین شهید عکاس را شاهد هستیم. این شخصیت، میرزا جواد عکاس‌باشی است که این مستند نیز به نام ایشان نامگذاری شده است. در حقیقت، اصل ماجرا این است که دوربین عکاسی در دربار به عنوان وسیله تفریحی استفاده می‌شد اما وقتی به میان مردم می‌آید، جریان‌ات اجتماعی متفاوتی را ایجاد می‌کند و افرادی از این وسیله برای بیان حرف حق استفاده می‌کنند.

گروه فرهنگ و هنر: زلزله کرمانشاه، نخستین زلزله بزرگ در دوران قدرت یافتن شبکه‌های اجتماعی بود به گونه‌ای که فضای مجازی به صورت کلی این بلای طبیعی را تحت تأثیر قرار داد. انتقال مستقیم اعتراضات مردمی به مسئولان برای برطرف کردن مشکلات و فشار افکار عمومی برای تامین نیازهای اولیه زلزله‌زدگان و حمایت‌های چند میلیاردری مردم به زلزله‌زدگان در پی فراخوان اهالی فرهنگ، هنر و ورزش از جمله اتفاقات مثبت این رویداد بود. از سوی دیگر صف بستن خودروهای شخصی برای کمک به زلزله‌زدگان (که طبیعتاً امری کارشناسی نبوده) و حضور پرتراфик سلفی‌گیران در محل زلزله با سگ‌های خانگی که به دنبال جنازه می‌گشتند نیز بخشی از پیامدهای منفی این مساله را شامل می‌شد اما در این میان حضور سلفی‌برتی‌ها و نقش مثبت یا منفی آنها برجستگی ویژه‌ای داشت. از سویی برخی چهره‌های مشهور به واسطه شهرت و مقبولیت خود مبالغ قابل توجهی را برای رسیدگی به زلزله‌زدگان جمع‌آوری کردند اما از سوی دیگر برخی با صحبت‌های غیرکارشناسانه خود و بعضاً با ادبیاتی هیجانی نه تنها نقش حمایتی برای زلزله‌زدگان نداشتند بلکه رفتارهای احساسی آنها به تشویش اذهان عمومی نیز منجر شد. در این میان معدود افرادی نیز در چاله سیاست‌زدگی افتادند و این مصیبت را نیز تبدیل به میدان تسویه‌حساب‌های سیاسی کردند. اما در روزهای اخیر جمعی از هنرمندان انقلابی در سفری به کرمانشاه علاوه بر تلاش برای جمع‌آوری کمک‌های مالی، انگشت‌نماها را نیز به بیخ‌بیشتر از نیاز من به این انگشت‌نماها رسانیدند. به همین منظور، تصمیم گرفتیم این انگشت‌نما را برای کمک به مردم شریف کرمانشاه عزیز به فروش برسونیم و با مبلغ حاصله مرهمی روی زخم عزیزان هم‌پیمت بگذاریم». شاکری پس از آن خبر از فروش ۱۵ میلیون تومانی انگشت‌نما رهبر انقلاب داد و با کمک‌های حاصله راهی کرمانشاه شد.

روضه‌خوانان در مقتل کرمانشاهیان



حضور مداحان اهل بیت(ع) نظیر میثم مطیعی، مهدی رسولی، احمد واعظی و ابودر بیوکافی در کنار روحانیانی چون حجت‌الاسلام سیدمهدی خضری، حجت‌الاسلام سیدمنصور و سیدحسین موسوی تلاشی بود برای التیام معنوی بر زلزله‌زدگان و نصیحت‌دیدگان. ویدئوهای منتشر شده از این سفر نشان از به ثمر نرسیدن این تلاش‌ها داشت. در این میان حضور شاعران نیز بهانه‌ای شد تا این هنرمندان از نگاه خود سفرنامه‌ای در قالب‌های گوناگون شعری منتشر کنند. اعضای کاروان در گفت‌وگوهای تصویری و پست‌های مجازی خود همواره بر ۲ نکته بیش از بقیه تأکید داشتند. نخست وسعت حدانته و نیاز ضروری به کمک‌های مردمی به زلزله‌زدگان که احتمالاً با گذر زمان کم‌رنگ‌تر می‌شود و دوم انتقاد و اعتراض نسبت به سیاسی‌کاری‌ها و ضعف مدیریتی که به عکس یادگاری در منطقه و شعار پشت میکروفن‌ها محدود می‌شود. میلاد عرفانپور با الهام از گفت‌وگو با یکی از زلزله‌زدگان شعری نو و البته واقع‌نما با عنوان «آن پسرهای دبستانی» می‌رایند: «روایتی واقعی از زلزله کرمانشاه» ماه بر شکرهایه‌های دشت می‌تابید آن پریده رنگ، آن حیرانی کامل دیدمش با شانه‌هایی خسته و ویران ایستاده مرد کرد چارشانه بر مزاز گفتمش بیا کهکلی با سلامی گفتمش آیا کسی آیا عزیزی از شما مانده ست در آوار؟ گفت و با خونابه دل گفت: آری مانده، آری رفت از این آبادی ویران، دو تن، تنها گفتمش آیا بود از اهل و عیالت نیز؟ گفت و با خونابه دل گفت: هر دو نورچشمی‌های من پسرهای خود بودند جای بازی در تمام کودکی در تمام دشت‌های سرپل و گیلان غرب و قصر با من همقدم بودند گرم چوپایی

یادداشت رضا شیبانی: «ملاصالح قاری»

چهره مبارز انقلاب و جنگ و قهرمان سال‌های مبارزه و اسارت است. او معروف است به مترجم اسرای ایرانی در عراق. شرح حال او در کتاب «آن بیست و سه نفر» نیز آمده است؛ جایی که داستان اسرای نوجوان ایرانی روایت می‌شد. این بار خانم «رضیه غیبشی» خاطرات او را در یک کتاب مستقل و به صورت مشروح ثبت کرده و نام این کتاب مزین شده است به این نام: «ملاصالح» سرگذشت شگفت‌انگیز مترجم اسرای ایرانی در عراق». از نقاط قوت این کتاب یکی قدرت نگارندگی خانم غیبشی است؛ یک شیوه روایی دقیق و توانمند با انعطافی خوب برای شرح داستانی یک سرگذشت واقعی. به زبان ساده اینکه به سلامت و سلامت نشر خانم غیبشی هیچ ایرادی نمی‌توان وارد کرد. در کنار آن هم نویسنده و هم خاطره‌گو در توصیف سرگذشت، نگاه تحلیلی‌گرانه دارند. از همان صفحات نخستین این نگاه در کتاب بخوبی به چشم می‌خورد. در صفحه ۱۳ در اشاره

گزارش «وطن امروز» از سفر اهالی فرهنگ و هنر انقلاب به مناطق زلزله‌زده

رنگ ماتم، بوی امید



تومان به حساب وی واریز کردند تا این شاعر جوان واسطه‌ای از جانب مردم برای کمک به زلزله‌زدگان شود. همچنین سجاد شاکری، از دیگر شاعران جوان نیز در فراخوانی اینستاگرامی «عزیزترین داشته خود» را به حراج گذاشت و انگشت‌نماهایی از جانب رهبر انقلاب را برای کمک به زلزله‌زدگان در معرض فروش قرار داد. شاکری در بخشی از فراخوان اینستاگرامی خود آورده بود: «اگره نگم عزیزترین، بی‌شک یکی از عزیزترین چیزایی که تو این دنیا دارم همین انگشتتیه که از دست مبارک حضرت آقا هدیه گرفتم اما عزیزتر از این انگشتت، سلامتی و حفاظت از برادران و خواهرهای زلزله‌زده که این ایام نیازشون به اولیات زندگی خیلی بیشتر از نیاز من به این انگشت دوست‌داشتنیه. به همین منظور، تصمیم گرفتیم این انگشتت رو برای کمک به مردم شریف کرمانشاه عزیز به فروش برسونیم و با مبلغ حاصله مرهمی روی زخم عزیزان هم‌پیمت بگذاریم». شاکری پس از آن خبر از فروش ۱۵ میلیون تومانی انگشت‌نما رهبر انقلاب داد و با کمک‌های حاصله راهی کرمانشاه شد.

روضه‌خوانان در مقتل کرمانشاهیان

حضور مداحان اهل بیت(ع) نظیر میثم مطیعی، مهدی رسولی، احمد واعظی و ابودر بیوکافی در کنار روحانیانی چون حجت‌الاسلام سیدمهدی خضری، حجت‌الاسلام سیدمنصور و سیدحسین موسوی تلاشی بود برای التیام معنوی بر زلزله‌زدگان و نصیحت‌دیدگان. ویدئوهای منتشر شده از این سفر نشان از به ثمر نرسیدن این تلاش‌ها داشت. در این میان حضور شاعران نیز بهانه‌ای شد تا این هنرمندان از نگاه خود سفرنامه‌ای در قالب‌های گوناگون شعری منتشر کنند. اعضای کاروان در گفت‌وگوهای تصویری و پست‌های مجازی خود همواره بر ۲ نکته بیش از بقیه تأکید داشتند. نخست وسعت حدانته و نیاز ضروری به کمک‌های مردمی به زلزله‌زدگان که احتمالاً با گذر زمان کم‌رنگ‌تر می‌شود و دوم انتقاد و اعتراض نسبت به سیاسی‌کاری‌ها و ضعف مدیریتی که به عکس یادگاری در منطقه و شعار پشت میکروفن‌ها محدود می‌شود. میلاد عرفانپور با الهام از گفت‌وگو با یکی از زلزله‌زدگان شعری نو و البته واقع‌نما با عنوان «آن پسرهای دبستانی» می‌رایند: «روایتی واقعی از زلزله کرمانشاه» ماه بر شکرهایه‌های دشت می‌تابید آن پریده رنگ، آن حیرانی کامل دیدمش با شانه‌هایی خسته و ویران ایستاده مرد کرد چارشانه بر مزاز گفتمش بیا کهکلی با سلامی گفتمش آیا کسی آیا عزیزی از شما مانده ست در آوار؟ گفت و با خونابه دل گفت: آری مانده، آری رفت از این آبادی ویران، دو تن، تنها گفتمش آیا بود از اهل و عیالت نیز؟ گفت و با خونابه دل گفت: هر دو نورچشمی‌های من پسرهای خود بودند جای بازی در تمام کودکی در تمام دشت‌های سرپل و گیلان غرب و قصر با من همقدم بودند گرم چوپایی

نگاهی به کتاب «ملاصالح قاری» نوشته رضیه غیبشی

روایتی جدی با قلمی ممتاز



دیگر نقطه مثبت این است که نویسنده گرفتار نگاه‌های رسمی و اداری نمی‌شود و فضا را واقعی و صادقانه ترسیم می‌کند. جایی که چند صفحه قبل‌تر به همان محرومیت تداوم یافته اشاره دارد: «هردی که وجودش عزت و سربلندی شهرش آبادان و کشورش ایران است، امروز خانه‌نشین شده و با درآمدی ناچیز زندگی ساده و بی‌تجملی را سپری می‌کند». (صفحه ۸) بگذریم؛ باید در معرفی این کتاب اشاره کنم که ملاصالح سرگذشتی دارد پر فراز و نشیب که حاصل سال‌ها سکونت، مبارزه، تحصیل و اسارت در ایران و عراق است. او هم قبل از انقلاب و هم بعد از آن

دارن ننگتون می‌کنن. رسانه‌ها، آقایان، مسئولان! از مردم معذرت‌خواهی کنید. معذرت‌خواهی کنید که خبر خوب نراید. معذرت‌خواهی کنید که بلد نیستید. داغ نیکانم رو ببینم اگر نگاهم سیاسی باشد، اگر بخواهم از این نمذ کلاهی بدوزم، چرا نمی‌فهمید زن و دختر مردم باید صبر کنند شب بشود بعد توی پناه آوارها دستشوویی بروند؟ چرا نمی‌فهمید هوا سرد و از آن کنش است؟ چرا نمی‌فهمید وقتی یک مرد کرد که نماد غرور و صلابت است با یک کپه سیبل گریه کند که بچهام گرسنه است یعنی چه؟ خیلی سخت است فهمیدن اینکه مردم شب گوشه خیابان روی زمین می‌خوابند؟ خیلی سخت است فهمیدن اینکه بی‌رزن روستایی چشم‌هایش را تازه عمل کرده و توی خاک و خل عفونت گرفته و دارد کور می‌شود؟ شما را به مقدسات‌تان این دعوها را بگذارید کنار. شما را به خدا پناه باشید، قوت قلب باشید.

امروز همه گوش. فردا زبان باشیم

اینچنین با آخرین مشق شب خود تا سحر رفتند آن پسرهای دبستانی امروز همه گوش. فردا زبان باشیم اما در این میان محمد مهدی سیار به جای نگاه‌ستن شعر ترجیح داد تا امروز گوش باشد و فردا زبان شود. او در روایتی تامل‌برانگیز از فراداهای فراموش‌شده زلزله گفت و نوشت: زلزله ماکت قیامت است و تو گوئی ما به فرادی قیامت رسیده بودیم در آوار روستاهای سرپل‌ذهاب و ثلاث‌باباجانی. به خودم گفتم امروز باید گوش باشی و بشنوی تا فردا زبان شوی و دادی بزنی، امروز باید آغوش باشی برای داغ‌های دل تا فردا یقه بگیرگی از هر کس که دستت می‌رسد و دستت به کاری می‌رود، و اول از همه هم باید یقه خودت را بگیرگی و هر روز از خودت بررسی چه خبر؟ کاری کردی؟ هر روز باید از خودت بررسی حالا که خبرهای ریز و درشت دیگر و موج‌های رسانه‌ای تازه‌تر آمده‌اند و دست استمداد این مردم را زیر آوار فراموشی برده‌اند، چند نفر... چند هزار نفر دارند در آن بی‌سرنواهی استخوان‌سوز سرمایه‌زمستان می‌شوند؟ به حامد عسکری می‌گویم بیشتر این مردم لاقال تا یک سال دیگر خانه‌ای نخواهند داشت و باید در چادرها سر کنند، لخبند تلخی می‌زند و می‌گوید «یک سال؟ ما بعد از زلزله بم تا ۶ سال توی کانکس زندگی کردیم» و بعدش از دردسرها و خون‌جگری‌های گرفتن وام‌های مصوب دولتی می‌گوید و اینکه نقدی است. اما بعد فاکتور می‌خواستند که خیلی‌ها بی‌خیال وام گرفتن می‌شدند. در این سرما آتشی که دلم را روشن می‌کند دیدن قرارگاه بقیق‌راهی جهادی است در قصر شیرین. جوان‌ها و جوان‌دل‌هایی که هر طور شده خودشان را رسانده‌اند تا باری، آواری از دل مردم بردارند و هنوز بر سر و روی بیشترشان گرد و غبار کربلا و نجف و سامرا هست... کمک‌های مردم هم مدام می‌رسد اما اینجا نیازها و اولویت‌هایی هست که فقط کسی که در منطقه باشد می‌تواند تشخیص بدهد. مثلاً کسی چه می‌داند چند هزار مترمربع پلاستیک برای عایق‌بندی چادرها و حفاظت دام‌ها و علوفه‌ها از سرما و باران باید تهیه شود... روی این حساب می‌گویند بهترین کمک کمک نقدی است. حامد عسکری که مطلع سفرش را با این بیت آغاز کرد: «این خانه تارک است، نور ماه بفرستید/ خرمای بم را سوسوی کرمانشاه بفرستید»، در میانه آن با ملالت از دعوهای رسانه‌ای و سیاسی نوشت: یکی پیغام داده که خبره، فروخته، کمک کرد به کرمانشاه؛ یکی خبر می‌دهد قیمت هسته خواب شده سهرابر. یکی پیغام داده دانشجو هستیم، پدرم ماهی ۳۰۰ هزار تومن می‌زنه به حسابم، صدتومنم رو زدم به کارت، ببخش کم بوده، یکی قیمت بلیت صدخورده‌ای را کرده ۹۰۰ تومن. یکی از موبک‌شان در اربعین مستقیم آمده کرمانشاه و یک ماه است در نخلستان‌ها به کار جهادی برای روستاییان مشغول بودند و تا ۱۶ روز پیش از مهران تا نجف و طریق یاحسین مشغول نوکری زوار ابراهیم‌اند... (ع) و حالا با تن خسته و بیمار در روستاهای «ثلاث باباجانی» و «ه‌اگله» مشغول دلجویی و توزیع پتو و مواد غذایی به هموطنان اهل سنت‌مان هستند و حالا بعد نماز هم به حاج‌مهدی رسولی می‌گویند دل‌مان گرفته برای مصیبت این مردم.



حجت‌الاسلام سیدمهدی خضری در یادداشتی کوتاه با اشاره به مدیران یقه‌سفید و بی‌کفایتی مدیران در قبال مردم زلزله‌زده بیان داشت: «امروز وقتی از کنار خرابه‌های سرپل‌ذهاب عبور می‌کردم، صحنه‌ای نظرم را جلب کرد و به راز سخنان موگرینی پی بردم که گفت کمک به زلزله‌زدگان برای دولت ایران دشوار است و نیاز به کمک دارد. جلوی یک بانک خجریوبه، چند مدیر یقه‌سفید آتشکشیده، در حال سلفی گرفتن بودند! خانم موگرینی می‌دانست که شیفتگان سلفی، فرصت چادر زدن برای مردم را ندارند». در کنار انتقاد از برخی مدیران یقه‌سفید، حضور نیروهای جهادی از سراسر ایران نکته مثبتی بود که شگف و امید‌آهالی کاروان را برانگیخته بود، نیروهایی مستقیماً از موبک‌های اربعین به کرمانشاه آمده و مشغول خدمت‌رسانی بودند. سیداحمد عبودتایان پس از بازدید از مناطق زلزله‌زده نوشت: «حزب‌الله» را دیدم در هیئت جوانمردانی که از مسجد ولی عصر(عج) شهرستان ایوان ایلام، پس از قریب یک ماه پذیرایی از زائران اربعین سیدالشهدا(ع)، حالا با یک پژو کمک‌های مردم مسجد را بین داغدیدگان ماهی ۳۰۰ هزار تومن می‌زنه به حسابم، صدتومنم رو زدم به کارت، ببخش کم بوده، یکی قیمت بلیت صدخورده‌ای را کرده ۹۰۰ تومن. یکی از موبک‌شان در اربعین مستقیم آمده کرمانشاه و یک ماه است در نخلستان‌ها به کار جهادی برای روستاییان مشغول بودند و تا ۱۶ روز پیش از مهران تا نجف و طریق یاحسین مشغول نوکری زوار ابراهیم‌اند... (ع) و حالا با تن خسته و بیمار در روستاهای «ثلاث باباجانی» و «ه‌اگله» مشغول دلجویی و توزیع پتو و مواد غذایی به هموطنان اهل سنت‌مان هستند و حالا بعد نماز هم به حاج‌مهدی رسولی می‌گویند دل‌مان گرفته برای مصیبت این مردم.

حجت‌الاسلام سیدمهدی خضری در یادداشتی کوتاه با اشاره به مدیران یقه‌سفید و بی‌کفایتی مدیران در قبال مردم زلزله‌زده بیان داشت: «امروز وقتی از کنار خرابه‌های سرپل‌ذهاب عبور می‌کردم، صحنه‌ای نظرم را جلب کرد و به راز سخنان موگرینی پی بردم که گفت کمک به زلزله‌زدگان برای دولت ایران دشوار است و نیاز به کمک دارد. جلوی یک بانک خجریوبه، چند مدیر یقه‌سفید آتشکشیده، در حال سلفی گرفتن بودند! خانم موگرینی می‌دانست که شیفتگان سلفی، فرصت چادر زدن برای مردم را ندارند». در کنار انتقاد از برخی مدیران یقه‌سفید، حضور نیروهای جهادی از سراسر ایران نکته مثبتی بود که شگف و امید‌آهالی کاروان را برانگیخته بود، نیروهایی مستقیماً از موبک‌های اربعین به کرمانشاه آمده و مشغول خدمت‌رسانی بودند. سیداحمد عبودتایان پس از بازدید از مناطق زلزله‌زده نوشت: «حزب‌الله» را دیدم در هیئت جوانمردانی که از مسجد ولی عصر(عج) شهرستان ایوان ایلام، پس از قریب یک ماه پذیرایی از زائران اربعین سیدالشهدا(ع)، حالا با یک پژو کمک‌های مردم مسجد را بین داغدیدگان ماهی ۳۰۰ هزار تومن می‌زنه به حسابم، صدتومنم رو زدم به کارت، ببخش کم بوده، یکی قیمت بلیت صدخورده‌ای را کرده ۹۰۰ تومن. یکی از موبک‌شان در اربعین مستقیم آمده کرمانشاه و یک ماه است در نخلستان‌ها به کار جهادی برای روستاییان مشغول بودند و تا ۱۶ روز پیش از مهران تا نجف و طریق یاحسین مشغول نوکری زوار ابراهیم‌اند... (ع) و حالا با تن خسته و بیمار در روستاهای «ثلاث باباجانی» و «ه‌اگله» مشغول دلجویی و توزیع پتو و مواد غذایی به هموطنان اهل سنت‌مان هستند و حالا بعد نماز هم به حاج‌مهدی رسولی می‌گویند دل‌مان گرفته برای مصیبت این مردم.

فضای عراق را در ۲ سکوت تلپگی و اسارت تجربه کرده است. ملاصالح از این رو است که روایات جالبی از فضای پرتنش سیاسی عراق در سال‌های قبل از انقلاب ارائه می‌دهد؛ آن هم از دید کسی که عرب است و بعضی از بستگانش مقیم عراق بوده‌اند: «مدت‌ها گذشت و در کنار درس حوزه وقتی به دیدن عمویم در شترتومه نزدیک بصره می‌رفتم، در جلساتش با سران قبایل، بیشتر از جو پرتنش حاکم بر کشور عراق می‌شنیدم و با نهضت‌های آزادبخش که در مصر، فلسطین، یمن و... شکل گرفته بود آشنا می‌شدم. آن زمان تحولات سیاسی در عراق شکل می‌گرفت و تنها حاکم شیعه که بر عراق حکومت می‌کرد، «عبدالکریم قاسم» بود که بعضی‌ها در صدد سرنگونی‌اش بودند. این اتفاق در سال ۱۹۶۳ میلادی روی داد و تأثیر فراوانی در بیداری فکری‌ای داشت. (صفحه ۳۹)

رویدادها

انتصاب اعضای هیأت علمی جایزه ادبی جلال آل احمد



در احکامی جداگانه از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دبیر و اعضای هیات علمی جایزه جلال آل احمد منصوب شدند. به‌گزارش فارس، سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حکمی شه‌ریار عباسی، برگزیده دوره هشتم جایزه ادبی جلال آل احمد را به عنوان دبیر علمی دهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد منصوب کرد. وی همچنین در احکام جداگانه دیگری، ابراهیم حسن‌بیگی، مریم حسینی، احمد دهقان، ابراهیم زاهدی‌مطلق، حمیدرضا شعیبری، داوود غفارزادگان، مسعود کوثری و محمدعلی مهدوی‌راد را به عنوان اعضای هیات علمی این دوره از جایزه ادبی جلال آل احمد منصوب کرد. تصویب آیین‌نامه اجرایی جایزه و انتخاب هیات داوران در گروه‌های چهارگانه شامل: «رمان و داستان بلند»، «داستان کوتاه»، «هستندنگاری» و «تقد ادبی»، همچنین نظارت بر روند داوری از وظایف هیات علمی جایزه ادبی جلال آل احمد است.

سینمای جهان

واکش «سیلوستر استالونه» به اتهام آزار جنسی



سیلوستر استالونه، بازیگر فیلم‌های اکشن به آزار جنسی به یک هم‌اوار ۱۶ ساله متهم شده است. به گزارش ایسنا، «بی‌بی‌سی» نوشت: «سیلوستر استالونه» متهم شده در سال ۱۹۸۶ به همراه محافظ شخصی‌اش به یکی از هم‌اواران ۱۶ ساله‌اش تجاوز کرده است. روزنامه «میل آنلاین» این خبر را با انتشار گزارش پلیس که در همان سال تنظیم شده، بخش کرد. در این گزارش آمده که این دختر ۱۶ ساله چون مجذبات می‌کشیده و تحقیر شده بود، شکایتی از ستاره فیلم «رمبو» نکرده است. این اتفاق در دهه ۸۰ و در هتل هیلتون لس آنجلس افتاد. این دختر برای گرفتن امضا به آن مکان رفته بود که محافظ شخصی «استالونه» کلید اتاق این بازیگر را به دختر می‌دهد و بعد خود او هم به آنها می‌پیوندد. این دو بد از برقراری رابطه جنسی با این دختر ۱۶ ساله، او را با لحن شوخی تهدید می‌کنند، می‌خندند و به او می‌گویند که این ماجرا را به کسی نگوید. «هایک دو لوکا» محافظ «استالونه» ۴ سال پیش به ضرب گلوله نیروهای پلیس کشته شد. هنرپیشه «راکی» هم این اتهامات را به کل رد کرده است. سخنگوی او تمام این اظهارات را مسخره خوانده و گفته است: هیچ‌کس از جمله آقای «استالونه» از این داستان خبر نداشت تا اینکه امروز منتشر شد. این ادعاها پیش از این در ماه فوریه سال گذشته هم در یکی از نشریه‌های التیمور منتشر شد. «جان سامولویچ» فاسر بان‌شناسه نیروی پلیس لاس‌گاس تأیید کرد که نسخه کپی گزارش پلیس، عیناً مطابق با اصل آن است.

هالیوود ستاره متهمان رسوایی اخلاقی را پس نمی‌گیرد!



ستارگان و چهره‌های مشهور هالیوود که این روزها با اتهام سوءرفتار جنسی روبه‌رو شده‌اند، درباره یک چیز می‌توانند مطمئن باشند؛ اینکه هالیوود قصد ندارد ستاره‌های آنها را پس بگیرد. به گزارش مهر، انتشار اخبار رسوایی‌های اخلاقی که با واینستین شروع شد در ادامه به کوین اسپیسبی و برت رتنر نیز گسترش یافت. این در حالی است که در وی این چهره‌ها دارای ستاره در بلوار مشاهیر هالیوود هستند. با این حال هالیوود اعلام کرد قصد ندارد ستاره‌های آنها را پس بگیرد. لورن گابلر، رئیس اتاق بازرگانی هالیوود در این باره گفت: در پیاده‌روی مشاهیر هالیوود یک نشانه تاریخی ثبت شده است. وقتی یک ستاره به این پیاده‌رو اضافه می‌شود، بخشی از تاریخ این پیاده‌رو می‌شود به همین دلیل ما هرگز ستاره‌ای را از پیاده‌روی مشاهیر حذف نمی‌کنیم. رئیس پیشین این بخش، جانی گرتن فقید نیز سال‌ها پیش در زمان ریاستش گفته بود: ستاره‌ها برای دستاوردهای حرفه‌ای در جهان سرگرمی و مشارکت در این جمع به فردی اهدا می‌شوند. سیاست‌های چهره‌ها، فلسفه، رفتار آنها یا هر موضوع دیگری مانعی برای نادیده گرفتن دستاوردهای آنها در این زمینه و حذف ستاره آنها نخواهد بود. در پیاده‌روی نین بلوار هالیوود و خیابان وین در هالیوود بیش از ۲۵۰۰ ستاره برای بازیگران، کارگردانان، موسیقیدانان، تهیه‌کنندگانی گروه‌های تئاتری و شخصیت‌های تبدیل‌ناک شده است. مدیریت این پیاده‌رو با اتاق بازرگانی هالیوود و نگهداری از آن بر عهده مجموعه‌ای به نام «هالیوود هیستوریک تراست» است.